

تحلیل مفاهیم نمادین حیوانات در اشعار مهدی اخوان ثالث بر اساس نظریه ارتباط کلامی

یاکوبسن

مریم سازگار^۱، رضا اشرف زاده^۲

^۱دانشجوی دکتری ادبیات فارسی، دانشکده ی علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
^۲استاد، گروه ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

نویسنده مسئول: r.ashrafzadeh@iaubir.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۰

چکیده

عناصر چند معنایی از پرکاربردترین شیوه های غیر مستقیم بیان در شعر معاصر است و از آن میان، نماد، اصلی ترین شگرد هنری شاعران نوپرداز است، که همواره دستمایه آفرینش گران متعهد برای بیان مقاصد اجتماعی و سیاسی قرار می گیرد. این پژوهش ضمن بررسی نقشهای زبانی بر پایه الگوی ارتباط کلامی یاکوبسن، به تحلیل نماد های انتقادی و اجتماعی حیوانات در شعر اخوان می پردازد. اخوان به دلیل بهره گیری از نماد هایی که ریشه در فرهنگ ایران باستان دارد، تشخیص ویژه ای به شعر بخشیده است و به جهت اینکه غالباً حیوانات در شعر اخوان در مفهوم نمادین به کار رفته اند، اساس کار بر نقش فرازبانی است. مهم ترین هدف این جستار دریافت پیام های انتزاعی و مفاهیم اجتماعی و انتقادی نهفته در نماد های حیوانات و بیان مفاسد اجتماعی در ضمن اشعار میهنی شاعر نمود می یابد. یافته ها نشان می دهد نماد های اخوان بازنمایی از شرایط حاکم بر جامعه و انتقاد های شاعر از ابرقدرتها، منفعت جویی های برخی از اشرار اجتماع و مظلومیت قشر ضعیف جامعه و ناگفته های اجتماعی و سیاسی می باشد. شیوه جمع آوری اطلاعات، کتابخانه ای و اسنادی است و جامعه آماری پژوهش شامل کلیات اشعار مهدی اخوان ثالث است. تحقیق حاضر به شیوه تحلیلی و توصیفی مناسب مفاهیم تعلیمی، اجتماعی، رمزی، تدوین شده است. و پیامهای اخوان در غالب اشعار، انعکاس دهنده کارکردهای فرازبانی، عاطفی، ارجاعی و ترغیبی است. کلید واژه ها: اشعار اخوان، انتقاد اجتماعی، مفاهیم رمزی حیوانات، ارتباط کلامی، یاکوبسن.

۱- مقدمه و بیان مسأله

اندیشه شعری هر چند عریان تر بیان شود، آن شعر ضعیف تر و به شعر نزدیک تر است؛ بنابراین اگر شاعر بتواند اندیشه خود را در درون خود برورد و به آن هیأتی هنری دهد و سپس در قالبی هنری، بر زبان جاری نماید، این اندیشه، شعری عمیق را ایجاد می کند. «جنبه هنری و اندیشه ژرف در یک اثر هنری در حکم دو بال پرواز تا نیل به بالاترین پله های موفقیت و کامیابی شاعرند. هر یک از این دو بعد، اگر دچار خللی گردند، پرواز صورت نمی گیرد و یا اگر هم موفقیتی در کار باشد، ارتفاع پرواز پایین خواهد بود. (رک: زرغامی، ۱۳۸۳: ۲۰۷)» «نمادگرایی را می توان هنر بیان افکار و عواطف، نه از راه شرح مستقیم، نه با تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای عینی و ملموس، بلکه از طریق اشاره به چگونگی آنها و استفاده از نمادهای بی توضیح، برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده دانست.» (قاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۹۸) یونگ در این باره می گوید: «چون اشیای بی شماری در ورای فهم انسان قرار دارند، ما پیوسته اصطلاح سمبلیک را به کار می بریم تا مفاهیمی را نمودار کنیم، که نمی توانیم تعریف نماییم یا کاملاً بفهمیم. این یکی از دلایلی است که به موجب آن تمام ادیان، زبان و صور سمبلیک را به کار می برند.» (یونگ، ۱۳۷۸: ۲۴)

شاعران سمبولیسم اجتماعی برخلاف سمبولیست اروپایی با به خدمت در آوردن مفاهیم اجتماعی در این نوع شعر راه تازه ای را در پیش گرفتند. (رک: قاری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۴) نماد گرایان ایرانی شعر را در خدمت مردم اجتماع و مبارزه با ستمگری و خشونت حاکمان ظالم قرار دادند. میهن پرستانی چون اخوان که تا پایان عمر دغدغه ای جز سرفرازی ایران و ایرانی را در ذهن نمی پروراندند.

«اصولاً در دوران مدرن، تعریف و جایگاه انسان در هستی تغییر کرده است. اگر در گذشته، انسان، حیوانی ناطق یا حیوانی عاشق معرفی می شد، امروزه، انسان، حیوانی ساسی است. سیاست و قدرت سیاسی در مرکز همه معادلات انسان مدرن قرار دارد و درست به همین علت است که مضمون غالب و بلامنزاع در شعر معاصر، سیاست و اقتصاد است. امروزه «انسان در دنیا»، محل توجه است، نه «انسان در آخرت» یا «انسان در آسمان فنای عرفانی.» (زرغامی، ۱۳۸۳: ۴۱) از این رو از آغاز، شاعران جریان شعری سمبولیسم اجتماعی با آگاهی از فضای سیاسی و اجتماعی جامعه خود، به دنبال شیوه ای از بیان بودند که ضمن بیان مضامین اجتماعی و سیاسی از غنای ادبی نیز برخوردار باشد؛ آنان با بیان نمادین و سمبلیک توانستند مشکلات و اوضاع نابسامان جامعه خویش را با عنصر عاطفه و تخیل در هم آمیزند و آثاری ماندگار را به جای گذارند. این شاعران به بازتاب آشوبها و نا بهنجارها، انحطاطها و چالشها و مشکلات اجتماعی، عمیق ترین سروده های اجتماعی و سیاسی را از خود به یادگار گذاشتند. سمبولیسم اجتماعی از مهمترین رویکردهای مربوط به دهه ی سی و چهل شعر معاصر ایران نسبت به مضامین سیاسی و اجتماعی است

شاعران متعهد این دهه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با احساس مسئولیت اجتماعی و با بهره گیری از زبانی نمادین به طور انتزاعی و غیر مستقیم به شرح رویداد های سیاسی و اجتماعی آن دوران پرداختند. باید گفت که اغلب شاعرانی که شعر آزاد و یا سپید سروده اند، گرایش به سمبولیسم اجتماعی داشته اند و رویکرد اصلی شعر آنان مسائل سیاسی و اجتماعی بوده است و بیشتر شاعران این گرایش، از گروه شاعران متعهد بودند و جنبه تعقل و اندیشه شعری در شعر آنان از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. (رک: زرقامی، ۱۳۸۳: ۳۵۵ و ۵۳۳) اخوان نیز برای ادبیات قائل به نوعی تعهد و رسالت اجتماعی بود و می گفت: «رسالت انسانی و اجتماعی و مترقی همیشه با ادب مقاوم و مبارزی بوده و آثار درخشان ادبی نیز دارای این وجه و خصوصیت هستند.» (کاخ، ۱۳۷۱: ۲۵۲) «تجربیات سیاسی - اجتماعی امید در تحول شعر او نقش عمده ای دارد. ذات پر مهر اخوان و همدردیش با مردم و تلاشش در راه کمال، زمینه ساز دگرگونی شعر او شد. گرایش اجتماعی و سیاسی امید، یک گرایش سطحی و گذرا و مُد روز نبود. امید، شاعری دردمند بود و می خواست شعرش زبان دل افسردگان باشد.» (قرایی، ۱۳۷۰: ۱۳) مقطع تاریخی سی و دو بر فضا و جوهر فکری اکثر شاعران آن دوران تأثیر گذاشته است ولی تأثیر بر شعر هیچ یک از شاعران به اندازه شعر اخوان نیست. «توفیق اخوان در سرودن شعر سیاسی - اجتماعی است، که گاهی آیینۀ تمام نمای نقاط عطف تاریخ سی و دو ساله اخیر وطن ماست. مثلاً سالهای آغاز سی در «آنگاه پس از تندر» و سالهای آغاز چهل در «مرد و مرکب». شعرهای مستندی که هر یک شهادتنامه شاعر شاهدی جنوست. و نیز شعر های روایی - نقلی - داستانی او همچون «قصه ی شهر سنگستان» و «خوان هشتم» که شعرهایی در این حد از توفیق، تنها از ذهن و زبان او می توانسته است، جاری شود.» (حقوقی، ۱۳۹۳: ۵۶ و ۵۷)

در آثار اخوان مجموعاً چند نوع درونمایه وجود دارد؛ نخست مضامین سیاسی و اجتماعی که در اشعار قبل از ۱۳۳۲ با حال و هوایی مبارزه جویانه وجود دارد. اما پس از کودتای ۲۸ مرداد این شور و حال، رنگ می بازد و به ناله و گریه بدل می گردد و سپس رنگ یأس اجتماعی و بعد یأس فلسفی را به دنبال دارد. که این درونمایه در دفتر «زندگی می گوید اما باز باید زیست»، ناشی از شکست اجتماعی و عاطفی در جریان این کودتاست. (رک: زرقامی، ۱۳۸۳: ۴۴۱)

در اشعار اخوان گاه با داستانهایی برخورد می کنیم که نقش آفرینان آن، حیوانات هستند. «فابل از ریشه لاتین *fabula* به معنی بازگفتن است.» (تقوی، ۱۳۷۶: ۹۲) در اصطلاح ادبی فابل به داستان کوتاهی می گویند که شخصیتهای آن حیوانات باشند. از انواع مشابه فابل، آپولوک و حماسه ی وحوش است. (رک: همان) در فرهنگ اصطلاحات ادبی مارتین گری، فابل حکایتهای کوتاهی است که شخصیتهای آن حیواناتی هستند که شبیه انسان عمل می کنند. (همان: ۹۳)

نماد های گیاهی و حیوانی یکی از نخستین نمادهایی هستند که انسان از اولین دوران حیات خویش به آن پرداخته است. در داستان درخت آسوریک، درخت نخل به عنوان نماد گیاهی و بز به عنوان نماد حیوانی، مطرح گردیده است و در عصر کنونی اخوان ثالث در تمثیل حیوانات، جلوه ای نمادین از دلالتهای انتقادی و اجتماعی را به نمایش گذاشته است. بدیهی است آشنایی مخاطب با رموزها با بهره - گیری از نقش فرازبانی و کشف و تفسیر واژه ها، در یافت مفاهیم پنهانی در اثر قابل درک خواهد شد. شعر سمبولیسم برخلاف شعر رمانتیک و عاشقانه و فردگرا، جریانی است که بیانگر درک و دریافت عمیق فکری و فلسفی است و غالباً دارای نوعی تعهد اخلاقی و مسئولیت پذیری سیاسی و اجتماعی است. اخوان ثالث از جمله شاعرانی است که خود را در برابر مردم و اجتماع متعهد می داند.

اغلب سروده های اخوان دارای سمبلهای اجتماعی، با بهره گیری از شخصیت های نمادین، آمیخته با داستانهای حیوانات است که به شیوه ای تلویحی به انتقاد اجتماعی از افشار حاکم و تأثیر گذار در جامعه پرداخته است. از رویکردهای بارز اشعار اخوان شکل ملی و میهنی آن است که قابلیت ارزشی آن را با الگوی نظریه ارتباط کلامی یا کوبسن میسر می نماید.

از نظریات مشهور رومن یا کوبسن، نظریه پرداز روس، نظریه «ارتباط کلامی» است. بر پایه این نظریه، شش مؤلفه ارتباطی در ادبیات، زمینه ساز برقراری ارتباط میان گوینده و مخاطب است. هر یک از این عناصر با توجه به کارکردشان در جمله، نقشهای گوناگونی را ایفا می کنند. گوینده، مخاطب، زمینه پیام، مجاری ارتباطی و کلام، کارکرد گد ها و در نهایت، پیام، شش عنصری هستند که در ارتباط کلامی هر متن دخیل هستند.

نقشهای زبانی یا کوبسن بالاخص نقش فرازبانی ظرف مناسب و وسیله ای کارآمد است تا خواننده را با تفاسیر و مفاهیم متعدد رموزها آشنا سازد. به همین دلیل آشنایی مخاطب با نماد های اجتماعی حیوانات در سروده های اخوان ثالث با بهره گیری از نقش فرازبانی و کشف و تفسیر واژه ها، زمینه ای برای فهم و درک بهتر مفاهیم پنهانی اشعار اجتماعی اخوان فراهم خواهد ساخت. همچنین با گذری بر نقشهای ترغیبی و عاطفی و ارجاعی، ابعاد دیگری از معانی انتقادی و دلالتهای اجتماعی و فرهنگی شعر هویدا خواهد گشت.

۱-۱- پیشینه پژوهش

آثار پژوهشی با محور های موضوعی ذیل که به موضوع این مقاله نزدیک و یا شبیه به آن است از این قرار می باشد:

تقوی، محمد (۱۳۷۶)، بررسی حکایتهای حیوانات تا قرن دهم، نویسنده در این کتاب ضمن بیان انواع داستانهای فارسی، برداشت، برنما و نتیجه و ریخت شناسی این قبیل داستانها را که اغلب به زبان نثر هستند، بررسی نموده است.

پورنامداران، تقی (۱۳۶۷)، رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی. نویسنده در آغاز به تعاریف رمز و تمثیل از دیدگاه برخی محققان پرداخته است و سپس کارکرد رمز را در برخی داستانهای فلسفی و عرفانی بررسی نموده است.

رحیمی، امین و دیگران (۱۳۹۳)، در مقاله «نماد های جانوری در متون عرفانی با تکیه بر آثار سنایی، عطار و مولوی». به تحلیل جانورانی می پردازد که سه شاعر مزبور در مفهوم نمادین نفس به کار برده اند. این پژوهش نشان می دهد که تنوع نمادهای جانوری در اشعار مولوی بیشتر از سنایی و عطار است و این سه شاعر بیشتر در نماد پردازی از جانورانی استفاده کرده اند که در محیط زندگی آنها یافت می شده است.

قلی زاده، خسرو (۱۳۹۲)، در کتاب دانشنامه اساطیری جانوران به بیان توضیحاتی درباره جایگاه جانوران در اساطیر ایرانی و آیینهای ایران باستان و ایزدان مرتبط با جانوران پرداخته است. این کتاب به صورت واژه نامه و با ترتیب الفبایی نام جانوران تدوین گردیده است. اما کتاب یا مقاله ای که با تکیه بر نظریه ارتباط کلامی یا کوبسن به تأویل نماد پردازی حیوانات در شعر اخوان بپردازد، یافت نشد. در زمینه نظریه ارتباط کلامی یا کوبسن، می توان به کتاب «تقد ادبی» از سیروس شمیسا (۱۳۹۰)؛ «راهنمای نظریه ادبی معاصر» (۱۳۷۲)، نوشته رامان سلدن و به ترجمه عباس مخبر اشاره نمود. افزون بر موارد مذکور در مقاله ای با عنوان «بررسی نقشهای زبانی داستان اردشیر و هفتواد از شاهنامه فردوسی با رویکرد تمثیلی و بر پایه نظریه ارتباط کلامی یا کوبسن» (۱۳۹۹) از زهرا ابویسانی و دیگران که با بهره گیری از شیوه ارتباط کلامی یا کوبسن به تحلیل این داستان پرداخته اند. این مقاله نشان می دهد که کارکردهای مهم کلامی فردوسی انتقال پیامهای اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی است و نقش ترغیبی و ارجاعی مکمل نقش فرازبانی می باشد.

آرامیده، فریده و دیگران (۱۳۹۵)، در مقاله «سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر فارسی» در بررسی نمادهای اجتماعی در اشعار شفيعی کدکنی، هوشنگ ابتهاج، فروغ فرخزاد، اخوان ثالث به این نتیجه دست یافته اند که شاعران یاد شده با بهره گیری از نمادهای اجتماعی به خوبی توانستند اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوران را انعکاس دهند.

قاری، محمد رضا و دیگران (۱۳۹۳) در مقاله «سمبولیسم در شعر معاصر با تکیه بر اشعار اخوان ثالث و هوشنگ ابتهاج» نویسندگان دریافته اند که از طریق آشنایی نمادهای شخصی شاعر، فهم شعر بسیار آسان تر خواهد شد و نمادهای به کار برده شده اغلب ریشه در فرهنگ ایران باستان دارند و نماد گرایان ایرانی شعر خود را در خدمت مردم و مبارزه با ستم و ستمگری قرار می دهند.

محمودی، مریم؛ الیاسی، رضا (۱۳۹۶)، در مقاله «نماد شناسی حیوانات در کتاب طرب المجالس» ضمن بیان این نکته که نماد سبب پویایی و تحرک در اثر هنری می شود و خواننده را به تأمل وادار می دارد؛ بیان داشته اند که نویسنده کتاب طرب المجالس با بهره گیری از مؤلفه های نمادین، برتری انسان بر سایر موجودات و جایگاه عالی او در عالم هستی را تبیین نموده است.

برخی از پژوهش های مزبور به بررسی نمادین جایگاه حیوانات در شعر اخوان و برخی دیگر از شاعران معاصر پرداخته اند ولی هیچ یک نماد پردازی حیوانات در اشعار اخوان ثالث را از دیدگاه نظریه ارتباط کلامی یا کوبسن بررسی و پردازش نکرده اند. نکته دیگر اینکه تحقیق حاضر جز به نقش فرازبانی، گذری به سایر کارکرد های زبان از دیدگاه نظریه ارتباط کلامی یا کوبسن نیز داشته است.

۱-۲- روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه ای تدوین گردیده است. براساس نظریه ارتباط کلامی یا کوبسن و نقشهای شش گانه زبانی آن، به تحلیل نمادهای حیوانات در شعر اخوان پرداخته شده است. از این رو پیش از دخول به بحث، توضیحاتی درباره نظریه مزبور ارائه گردید

۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

نمادگرایی اجتماعی از مهمترین رویکردهای شعر معاصر فارسی است و برخی شاعران با زبان نمادین و رمز گونه به شرح رخداد های سیاسی و اجتماعی جامعه پرداختند و چون فهم مفاهیم شعری منوط به دریافت نماد ها و رمز های موجود در آن است، ضروری به نظر می رسد، این نماد ها آشکار شده و ویژگیهای آنها بیان گردد. در این پژوهش تلاش شده که نمادهای جانوری با مفاهیم انتقادی با تکیه بر اشعار اخوان رمزگشایی شوند.

۱-۴ مبانی نظری پژوهش

نظریه ارتباط کلامی رومن یا کوبسن، نظریه پرداز روسی، (۱۸۹۶-۱۹۸۲) یکی از کاملترین طرحها در تبیین ارتباط کلامی است که اهمیت بسیاری در کشف معانی در فرایند ارتباطات اجتماعی دارد. در الگوی ارتباط کلامی یا کوبسن، هر ارتباط کلامی از یک پیام تشکیل شده است که از فرستنده به گیرنده منتقل می شود. این پیام برای مؤثر واقع شدن نیاز به ۱- زمینه ای دارد که آن مدلول است. موضوعی که بتوان آن را بیان کرد و در گستره آن، می توان پیام را دریافت ۲- کدها و رمزگان و علائم که گوینده و مخاطب باید آن را بشناسند. ۳- تماس و مجرای جسمی و پیوند فکری و روانی میان گوینده و مخاطب که امکان انتقال پیام را میسر می کند.

در هر ارتباط کلامی هر یک از این شش جزء یاد شده، موجد کارکرد متفاوت در کلام هستند؛ ولی در این میان مشکل می توان پیامی را یافت که فقط یک کارکرد واحد داشته باشد و اگرچه در اغلب پیامها یک کارکرد نسبت به سایر کارکردها برجسته تر است و یا کوبسن به این کارکرد، نقش غالب

می گوید؛ ولی در عین حال اغلب پیامها بیشتر، کارکرد ارجاعی دارند ولی کارکردهای دیگر نیز نقشی تسهیل کننده در این قبیل پیامها دارند. در اشعاری که نگارنده به بررسی مفاهیم آن در این تحقیق پرداخته است، نقش غالب، فرازبانی است؛ زیرا نمادها و رمزها موضوع اصلی این پژوهش را شامل می شوند.

نقشهای زبان بر اساس الگوی ارتباط کلامی یا کوبسن عبارتند از:

۱- نقش فرازبانی: در صورتی که جهت گیری پیام به صورت رمز باشد و آن زمانی است که گوینده یا مخاطب یا هر دو آنها احساس کنند لازم است از مشترک بودن رمز مورد استفاده شان اطمینان حاصل کنند. «در این کارکرد زبان، درباره واژگانی که استفاده شده است توضیح می دهد. مانند پرسش در مورد معنی کلمات و توضیح برای مخاطب.» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۲۳۴)

۲- نقش ترغیبی (کنشی): در این نقش، جهت گیری پیام به سوی مخاطب است و از ساختههای ندایی و امری استفاده می شود و چون جهت گیری پیام تشویق و ترغیب مخاطب است به آن کارکرد ترغیبی یا کنشی می گویند. در اشعار میهنی این نقش بسیار مشهود است.

۳- نقش ارجاعی: در این نقش، جهت گیری پیام به سوی موضوع و بافت است و با توجه به این که از جملات اخباری استفاده می شود، صدق و کذب گفته هایی که از نقش ارجاعی حاصل می شوند، از طریق محیط امکان پذیر است. در این کارکرد مقصود، بیان مفهوم و معنی است. «یا کوبسن وجه تمایز نقشهای ارجاعی و ترغیبی را در همین امکان صدق و کذب آنها می داند.» (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۲)

۴- نقش ادبی: در این کارکرد، جهت گیری پیام به سوی خود پیام است. بنابراین پیام فی نفسه کانون قرار می گیرد. به اعتقاد یا کوبسن پژوهش در مورد این نقش زبان، بدون در نظر گرفتن مسائل کلی زبان، بی نتیجه است. تأکید بر واژه ها، لحن صدا، نحو جمله ها، گزینش واژگان، جزو کارکرد ادبی است.

۵- نقش عاطفی: در این نقش زبانی، جهت گیری پیام به سوی گوینده است. این کارکرد تأثیری از احساس خاص گوینده است؛ خواه گوینده آن احساس را داشته باشد و یا حتی وانمود کننده آن احساس باشد. لایه صرفاً عاطفی زبان در حروف ندا تجلی می کند. حدیث نفس، احساسات نویسنده که بر اثر خشم و یا هیجان تکرار می شوند، این نقش زبان را می آفرینند. می توان گفت در میان انواع شعر فارسی، کارکرد عاطفی بیشتر در شعر غنایی نمود می یابد. (رک: علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۲۳۳)

۶- نقش همدلی: جهت گیری این کارکرد به سوی مجرای ارتباطی است و گوینده در پی آن است که تا از برقراری مجرای ارتباطی خود با مخاطب، یقین حاصل کند. و باصطلاح باب سخن را بگشاید. اساس این نقش ایجاد همدلی با مخاطب و برقراری ارتباط است. نقش همدلی در هنگامی که محور کلام مشترک است و گوینده و مخاطب در مورد یک موضوع مشترک سخن می گویند، کاربرد بیشتری دارد.

۲- بحث اصلی - نقش فرازبان

در این نقش، گوینده و مخاطب با استفاده از رمز و نماد به معنی حقیقی می رسند. در برخی اشعار اخوان نماد بسیار فراگیر است؛ از این رو زبان، کارکرد فرازبانی دارد. در کتاب «اسطوره و رمز» در تعریف نماد آمده است: «نماد، چیزی است، و عموماً شیئی کمابیش عینی که جایگزین چیز دیگر شده، و بدین علت بر معنایی دلالت دارد. نماد، نمایش یا تجلی ای هم هست که اندیشه و تصور یا حالتی عاطفی را به حکم تشابه یا هرگونه نسبت و رابطه ای، چه واضح و بدیهی و چه قرار دادی تذکار می دهد.» (ستاری، ۱۳۸۷: ۱۳) و نیز آمده است: «نماد پردازی یعنی نمایش چیزی توسط نماد، از تداعی معانی و پیوستگی تصورات و تصاویر ذهنی و احساسات نتیجه می شود و از این لحاظ، برآستی فرآیند روان شناختی اساسی ای است که همه فعالیت عقلانی و بخش عظیمی از زندگانی عاطفیمان، از آن نشأت می گیرد.» (همان: ۱۴)

در توتم، رمز پردازی اختصاصی تر می شود تا جایی که حتی افراد می پندارند که روان نیاکان در گذشته شان در آن توتم حلول می کند. مثلاً اگر توتم آنان حیوانی باشد گمان می کنند که پیش از آنکه به نوع بشر تعلق یابند، آن حیوان بوده اند. (رک: ستاری، ۱۳۸۷: ۲۶)

اخوان اغلب از حیوانات به صورت نمادین، برای بیان مقاصد سیاسی و اجتماعی بهره می برد. او در اشعارش با زبانی نمادین به بیان دردها و مشکلات و آرمانهای مردم و مسائل سیاسی و اجتماعی و غیره می پردازد. در شعر «سگان و گرگها» شاعر برای بیان جامعه آشوب زده و اوضاع نا بهنجار و آشفته ایران از بیانی نمادین در توصیف این دو حیوان استفاده کرده است. فضای حاکم بر شعر، محیط سرد زمستانی توأم با گرسنگی و خشونت حاصل از آن است که بیانگر جامعه ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد می باشد. اخوان نمادها را برای خدمت به جامعه و دردهای اجتماع به کار می گیرد؛ چرا که اولویت نخست او آمال و خواسته های مردم اجتماع است.

در شعر اخوان، گاه حیوانات دارای نمادهای منفی و گاه دارای نمادهایی مثبت هستند. او در برخی از اشعارش همچون شاعر هم دوره اش، سپهری، مردم را دعوت می کند که به طبیعت نزدیکتر شوند و بعضی خصلتهای نیکو را از حیوانات بیاموزند. در مؤخره «از این اوستا» می گوید: حیوانات در بعضی موارد بهتر از ما انسانها زندگی می کنند؛ چون زندگی آنها طبیعی است نه تصنعی و باصطلاح احمقانه. باید چون حیوانات طبیعی و بی آرایش و ساده زندگی کرد. (رک: اخوان به نقل از هزاره، ۱۳۸۳: ۲۴۴)

در شعر او، سگ، گرگ، جغد، کفتار، عنکبوت و مار بیشتر یاد آور محیطی خشن هستند. و حیواناتی چون شیر، مگس، اسب نمادی مثبت محسوب می شوند.

۲-۱- اسب نماد تمدن با شکوه فراموش شده ایران و نیز آرزوهای تحقق نیافته شاعر

از خصوصیات و مشخصه های بارز شعر اخوان توجه به فرهنگ و سنت ایران باستان است. او این حس را با استفاده از عناصری القا می کند. اسب در شعر اخوان جز کاربرد در معنی کنایی عامیانه « رمزی از تمدن باشکوه و باستانی ایران با همه افتخارات و بزرگیهایش می باشد که اکنون جز نامی و یادی از آن باقی نمانده است.» (احمدپور به نقل از هزاره، ۱۳۸۳: ۲۵۸)

آن گسترشها، وان صف آرابی

آن پیلهاو اسبها و برج و باروها

افسوس (از این اوستا: ۶۱۵)

ممکن شمار بی ادبی از ادیب هم گاهی سکندری خورد اسب نجیب هم (تو را ای...: ۱۴۸۶)

اسب در شعر ذیل هم می تواند اشاره به آرزوهای تحقق نیافته شاعر باشد و هم به فراموشی سپرده شدن شکوه دیرینه ی ایران است. سخن پوشیده بشنو اسب من مرده است و

اصلم پیر و پژمرده است. (از این اوستا: ۵۹۳)

در شعر مزبور پیام به سوی مخاطب و دوم شخص جهت می یابد و ساخت آن به صورت امری است. از سویی دیگر گوینده به بیان احساسات خویش پرداخته است از این رو کارکرد چندگانه ی کنشی، فرازبانی و عاطفی مشهود می باشد.

در قاموس ضرب المثلها نیز این حیوان ورود پیدا کرده است:

کمیت لنگ بودن کنایه از عدم توانایی در به انجام رساندن خواسته و آرزو است.

گرچه در این جا، کمیتش مثل پای چاکرت، لنگ است. (زندگی می گوید...: ۹۹۳)

۲-۲- روباه نماد دون همتان دغلکار

نویسنده فرهنگ نامه جانوران، قدیم ترین حیوان ثبت شده در ادب فارسی را روباه دانسته است. استناد نویسنده به حکایتی از زبان سغدی است. او آن داستان را از زبان مانی در عصر اشکانیان، نقل می کند، که بالغ بر دو هزار سال پیش می زیسته است. روباه در آن داستان، نقش حکیمی را بر عهده داشته است. (رک: عبداللهی، ۱۳۸۱: ۷۶)

روباه از دیرباز در آثار نویسندگان و اذهان مردم، نمادی از فریبکاری، حيله گری و دغل بازی بوده است. این خصوصیت مشهورترین و آشکارترین نماد پذیرفته شده برای عموم مردم بوده است. در شعر اخوان، روباه در همان نماد متداول معاصر به کار رفته است. بدین معنی که این حیوان در شعر او سمبلی از انسانهای دون همت و فریبکاری است که با درنده خویان گرگ صفت و انسانهای پلید و کفتار منش همراه است:

باز ما ماندیم و شهر بی تپش

و آنچه کفتار است و گرگ و روبه است. (آخر شاهنامه: ۴۷۳)

در بیت ذیل روباه سمبلی از انسانهای ضعیف و سست عنصر و مکاری است که چند صباحی به جولان قدرت نداشتند می پردازند:

شیرگیران چه شنیدند از آن خرس بزرگ که بجستند و رمیدند ز روباهی چند؟ (ارغنون: ۳۷)

زین گنه، ای روبهکان دغل مرا مرگ دهد توبه، که گرگ درنده ام. (زمستان: ۳۲۹)

و چون جهت گیری پیام به سوی بیان هیجانات درونی است، کارکرد عاطفی نیز مشهود است.

روباه در قصه های شرقی و برخی قصص غربی مظهر روغان و حيله گری است. این جانور در چین رفیق حيله گر جادوگر است. برخی معتقدند روباه در صد سالگی به جادوگر تبدیل می شود و در سن هزار سالگی ممکن است به بهشت وارد شود و به یک روباه ربانی تبدیل

گردد و در برخی معابد صمغ خوش بویی را برای دور کردن این حیوان می سوزانند. (رک: فرزاد، ۱۳۸۱: ۱۱۱)

۲-۳- سگ نماد انسانهای نوکر مسلک

سگ در فرهنگ عامیانه حیوانی وفادار است که حتی با به خطر انداختن جان خویش از صاحب و اموالش مواظبت می کند. در شعر «سگها و گرگها»، این حیوان دارای همان خصوصیات است ولی با توجه به نگاه اجتماعی و نمادین اخوان، او سگ را در عین حال نماد انسانهایی نوکر مسلک و ذلیلانی دانسته است که به حکومت پناه برده اند؛ کسانی که برای یک لقمه نان، تن به خفت و پستی می دهند و حاضر هستند برای به دست آوردن آن، حتی شلاق و دشنام را با کمال رغبت بپذیرند؛ افرادی که ذره ای غیرت و آزادگی و آزاد منشی ندارند.

کنار مطبخ ارباب، آن جا

بر آن خاک آره های نرم خفتن

چه لذت بخش و مطبوع است، و آنگاه

عزیزم گفتن و جانم شنفتن...

چه ارباب عزیز و مهربانی. (اخوان، ۱۳۹۵، زمستان: ۳۳۹)

در این شعر، گرگ در تقابل با سگ، نماد آزادمردانی است که زندگی رنج آور توأم با عزت نفس و مناعت طبع را بر زندگی خفت بار و با ذلت، ترجیح می دهند. این آزادگان همیشه در معرض از دست دادن جان خویش اند اما هرگز مناعت و آزاد منشی خود را به حکومت مستبد نمی فروشند. آنان فداشدن در راه عزت را افتخار می دانند:

در این سرما گرسنه زخم خورده دویم آسیمه سر بر برف چون باد

ولیکن عزت آزادگی را نگهبانیم، آزادیم، آزاد(زمستان: ۳۴۲)

شاعر در شعر ذیل به وفاداری سگ که در باور عامیانه رایج است، اشاره دارد:

سگی ناگاه دیگر بار/وزیده بر تنش گمگشته «عهدی مهربان» با او

چنان چون پار یا پیرار (از این اوستا: ۶۱۸)

شعر مذکور به داستان «سگ ولگرد»، سگی اسکاتلندی به نام پات، اشاره دارد که پس از گم کردن صاحب خود، سرگردان شده است. در شعر «ناگه غروب کدامین ستاره» که بر پایه رئالیسم شکل گرفته است، شاعر به تحلیل مشکلات اجتماعی و رفتارهای ناهنجار در جامعه می پردازد. او از سگی سخن می گوید که برای لقمه نانی دُم می جنباند ولی در صحنه ای دیگر تغییر ماهیت می دهد و با گربه ای رفتار خصمانه ی خویش را آشکار می کند. سگ در این شعر، نمادی از افراد اجتماع و رفتارهای ضد و نقیض آنها با یکدیگر است. «سگ صرعی مست» شاید نماد پست ترین فرد اجتماع است که می تواند در ذهن انسان متصور گردد. این سگ شاید در نگاه برخی کوردلان، پست و حقیر تصور شود، ولی نفرین او می تواند، تشویش و هراسی در اجتماع ایجاد کند؛ همانطور که غروب ستاره ای به تاریکی و ظلمت شب می افزاید. اخوان بر این افکار و باورهای اجتماعی می آشوبد. شاید بتوان مفهوم این شعر را با جمله ی «چشمها را باید شست جور دیگر باید دید» سهراب در یک طراز قرار داد؛ زیرا اخوان نیز مانند سهراب در شعر مذکور از مردم می خواهد، در رفتارهای خویش تجدید نظر نمایند.

می ترسم ای سایه، می ترسم ای دوست

می پرسم آخر بگو تا بدانم

نفرین و خشم کدامین سگ صرعی مست

این ظلمت غرق خون و لجن را

چونین پر از هول و تشویش کرده است؟ (از این اوستا: ۶۶۹)

با توجه به اینکه شاعر، مخاطب را از دیگر آزاری نهی نموده است، می تواند مبین کارکردهای ارجاعی و ترغیبی باشد و ساخت فعلی «می ترسم» در آغاز ابیات، نیز بیانگر کارکرد عاطفی است.

۲-۴- شیر نماد شکوه و افتخار ایران

در شعر اخوان، این حیوان نماد و نشانه شکوه، قدرت و ابهت است که در میان حیوانات، تنها رقیب برای فیل محسوب می شود:

پیل است که بجوید جز شیر هم نبرد. (زمستان: ۴۴۸)

با اندکی دقت در آثار اخوان، بی شک می توان او را شاعری سیاسی نامید. جنبه ی سیاسی شعر او به صورت وطن دوستی بروز کرده است. اخوان چاره تمامی دردها و کاستی های امروز ایران را در التجا به فرهنگ پیش از اسلام می دانست. در شعر زیر، شیر نماد شکوه و افتخار ایران باستان است که اکنون در دست عده ای گور صفتان نادان و خوار مایه به فنا رفته است. سرزمینی که جایگاه جشنها و شادمانی مردمانش بود، اکنون جای خود را به سجادۀ زرق و اندوه و نالۀ جانسوز مسکینان و بیچاره ها داده است:

«بر جای رطل و جام می» سجادۀ ی زرق

«گوران نهادستند پی» در مهد شیران

«بر جای چنگ و نای و نی» هو یا ابالفضل

یا نالۀ جانسوز مسکینان، فقیران (زمستان: ۳۳۲)

بی تردید سبک خراسانی، لحن حماسی و کهن اخوان و تأثیر پذیری او از زبان حماسی شاعر پر آوازه طوس از یک سو و توجه به فرهنگ و سنن کهن ایران از سوی دیگر، سبب شده که از پاره ای تشبیهات، استعارات و ترکیبات شاهنامه و نیز افکار و اعتقادات و باور های ایران قدیم بهره گیرد. به عنوان مثال شیر نماد و نشانه ای از قدرت و شکوه و گندآوری است؛ تا حدی که می توان میزان شجاعت، صلابت و قدرت قهرمان را با غلبۀ او بر شیر مورد ارزیابی قرار داد:

دلیران من ای شیران

بشنو اما ز آن دلیر شیر گیر پهنه ی ناورد ...

شیر بچه مهتر پولاد چنگ آهنین ناخن

رخش را زین کن. (اخوان، ۱۳۹۵، از این اوستا: ۵۹۶ و ۵۹۷)

« قصۀ شهر سنگستان » در بچه ایست برای نظارۀ دوران شکوهمند و افتخار آمیز ایران باستان و پهلوانان و شیر مردان آن دوران که با غلبه بر انیران و اهریمنان، سرافرازی و اعتبار و عظمت را برای ایران به ارمغان آوردند:

و گرشاسپ دلیر آن شیر گند آور...

انیران را فروکوبند وین اهریمنی رایات را بر خاک اندازند. (از این اوستا: ۵۸۸)

در شعر ذیل، شیر استعاره از محمد مصدق، مبارز ملی ایران، است که اخوان از طرفداران پر و پا قرص او محسوب می شد و ارادت خاصی به این چهره داشت:

ای شیر پیر بسته به زنجیر

کز بندت ایچ عار نیامد

ای نادر نوادر ایام

کت فر و بخت یار نیامد

دیری گذشت و چون تو دلیری

در صف کارزار نیامد. (ارغنون: ۹۴)

اخوان در برخی از سروده ها دارای روحیۀ ای حماسی است و در برخی دیگر سراینده حماسۀ شکست است. حماسه شعر مبارزه و پیروزی است نه جای ناله و شکوه. ولی او به اعتبار تجربۀ بیرونی به این نوع زبان، روی آورده است؛ در حالی که دنیای درون او، دنیای مبارزه و شکست ناپذیری است. این تناقض میان دنیای درون و بیرون او، در سطح عاطفی شعرش، تناقضی را شکل داده است که از قضا رمز ماندگاری شعرش در همین تناقض اجباری در شعر اوست. ترکیب پارادوکسیکال « حماسه ی شکست » که برای معرفی شعر اخوان به کار می گیرند نیز نشان دهنده ی این تناقض است. (رک: زرغامی، ۱۳۸۳: ۴۳۳)

۲-۵- فیل نمادی از آشوب و ویرانگری

در شعری با عنوان «مرثیه»، شاعر، بادی ویرانگر، خشمگین و دیوانه را توصیف می کند که چون فیل وحشی از بندگریخته، مست و دیوانه بر زمین و زمان می تازد. در این شعر، فیل نمادی از آشوب و ویرانگری است: پیل ناپیدای وحشی باز آزاد است. مست و دیوانه،

بر زمین و بر زمان تازد. (آخر شاهنامه: ۵۵۴)

شاعر با بیانی نمادین جامعۀ پر تنش و آشوب زده را توصیف نموده است که می تواند بیانگر نوعی کارکرد ارجاعی باشد.

۲-۶- گراز نماد انسانهای بی رحم

گراز از جانوران پلید شعر اخوان است. این حیوان نماد انسانهای بی رحمی است که در پی فرصت هستند تا در جهت رسیدن به منافع شخصی خویش دیگران را پایمال نمایند:

از آن سالی که پشت برج من هر روز جنگی بود وحشتناک

قبیله گرگ را با قوم سگتول و گراز و خوک
و می کشتند شیر و پیر را هم بی غم و بی باک
از آن هنگام، تا امروز
هنوزم می ترنجد پشت و لرزد پرده های گوش
ز غوغای تفنگ و توپ و آن تق تاق، و آن غرّش
و رگبار مسلسلها
که می زد دم به دم شلاق بر اعصاب

چنان زنجیری از آتش. (در حیاط کوچک پاییز در زندان: ۸۱۴)

تأثیر اعتقادات اسلامی در شعر اخوان سبب گردیده است که انسانهای سودجو و فرصت طلب را به این حیوان تشبیه نماید. افراد بی رحمی که بی مهابا با کشتن افراد شیر دل و شجاع و آزادی طلب، سرخوش و سرمست به زندگی حقیرانه و مملو از کثافات خویش فرو می روند.

۲-۷- گرگ نماد انسانهای بی رحم

اخوان اغلب این حیوان را در اشعارش به صورت نمادین و مظهری از انسانهای بی رحم و خونخوار که کوچکترین رقت و دلسوزی در نهادشان وجود ندارد، به کار می برد. در شعری با عنوان «گرگ هار»، به واسطه ریا، فریب و ظلم حاکم بر این جامعه پر آشوب و زمستانزده، که هرکس به فکر نجات زندگی خویش از زمهریر نامردمیهاست؛ اخوان نیز آنقدر از دوست و دشمن مورد بی مهری قرار گرفته که خود نیز به گرگ هاری تبدیل گشته است؛ تا جایی که حتی می ترسد به نزدیکان خویش نیز آسیب برساند:

گرگ هاری شده ام

هرزه پوی و دله دو.

شب درین دشت زمستانزده بی همه چیز،

می دوم برده ز هر باد گرو.

چشمهایم چو دو کانون شرار

صف تاریکی شب را شکند،

همه بی رحمی و فرمان فرار. (زمستان: ۳۸۲)

« استعاره و تمثیل به ضرورت زمان و حضور سایه سیاه دیکتاتوری در شعر اخوان به چشم می خورد، لیکن الفاظ به عاریت گرفته، آنچنان از معنا به دور نیستند که شعله فروزان حقیقت به خاموشی گراید.» (یاحقی به نقل از هزاره، ۱۳۸۳: ۲۴۴) چنان که ملاحظه می شود اخوان در شعری با عنوان «خطاب»، انسانها را چون حیواناتی می داند که برای منافع شخصی، به جان یکدیگر افتاده اند. دنیا جنگلی است که هر که زورش بیشتر باشد، دیگری را نابود می کند. شیر در این شعر در مفهوم مثبت به کار رفته و استعاره از انسانهای نیک سرشتی است که توان مقابله با ستمگران گرگ صفت بد طینت را ندارند:

از آن سالی که پشت برج من هر روز جنگی بود وحشتناک

قبیله گرگ را با قوم سگتول و گراز و خوک

و می کشتند شیر و پیر را هم بی غم و بی باک

از آن هنگام، تا امروز

هنوزم می ترنجد پشت و لرزد پرده های گوش

ز غوغای تفنگ و توپ و آن تق تاق، و آن غرّش

و رگبار مسلسلها

که می زد دم به دم شلاق بر اعصاب

چنان زنجیری از آتش. (در حیاط کوچک پاییز در زندان: ۸۱۴)

در شعر ذیل اخوان به آیین قربانی کردن گرگ و سوزاندن پیه آن حیوان اشاره دارد که در آیین میتراثیسم مرسوم بود:

در چشم های او

غوغا کنان دو خرمن خون سوزد

گویی دو مشعل است به پهنای زندگی؛

کز پیه گرگ هار می افروزد.

آن جا دو شرز به زنجیر بسته اند

که انحنای گردنشان گویی

می خارد...

آیا کدام پیرزن جادو

از پیه گرگ هار به پا کرد ابر قیر؟

وانگاه با فسون

بارید بر گلابی پر خون خان امیر. (در حیاط کوچک پاییز در زندان: ۸۲۰-۸۱۹)

«در آیین میتزایی گرگ که نماد پلیدی و اهریمنی بود قربانی می شد پیه آن را می سوزاندند و خون آن را در تاریکی می پاشیدند تا شر و بدی دفع شود. در منابع پهلوی و پازند چنان که در متون مورخان قدیم آمده، جانوران نیز چون گیاهان و همه چیزها و آفریده ها، به دو دسته ی «هرمزد آفریده» و «اهریمن آفریده» تقسیم می شود. گرگ و گرگ سردگان (انواع گرگ) از آفریدگان ویژه اهریمن و جهان تیرگی و تاریکی است. به همین جهت بی گمان برای جلب نظر اهریمن و دفع زینهای وی، گرگ قربانی می شد آن هم در شب و از خون جانور با گرده هوم، نذر و فدیة ساخته و در دور دستهای تاریکی می پاشیدند.» (رضی، ۱۳۸۱: ۱۳۰)

در شعری دیگر آفاق غرب و شرق را گرگانی می داند که بدون هیچ ملاحظه ای سرزمینهای دیگر را مورد هجوم قرار داده و غارت می کنند:

داستان گرگ و بره، ماجرای زور و ضعف در جهان غرب و شرق، از بهترین تمثیلهاست

دین و قانون و عطف، پیش زور سلطه جوی هیچ معنایی ندارد، بلکه چون باد هواسست. (تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم: ۱۳۴۰)

در ادامه این شعر، اخوان داستانی از «لافونتن» را به زبان شعر برگردانده است. این داستان بیانگر ظلم و ستم ابر قدرتها و زورگویان به ضعفاست. گرگی به بهانه های گوناگون در صدد دریدن بره ای است؛ ولی بره برای هر بهانه گرگ، پاسخی می دهد و سرانجام گرگ به بهانه ضعف بره، او را می درد. بره نماد کشور های مستعمره و جهان سوم است و کشورهایی چون آمریکا و انگلیس مانند گرگهایی هستند که سرمایه های این کشورها را به یغما می برند.

در این سروده او از زبان کبوتری به توصیف شهریار شهر سنگستان می پردازد:

پریشانی غریب و خسته، ره گم کرده را ماند

شبنانی گله اش را گرگها خورده. (از این اوستا: ۵۸۶)

و شهریار شهر سنگستان خود را چنین معرفی می کند:

من آن کالام را دریا فرو برده

گله م را گرگها خورده. (همان: ۵۹۳)

افسوس که این یغما همواره ادامه دارد:

دریغا! بیشه گرگان همیشه

ز خون دشت میشان آب نوشند. (دوزخ اما سرد: ۱۱۱۹)

شعر ذیل اشاره به رفتار بعضی انسانهای ظاهر نما و مزوری دارد که با رفتار فریبکارانه خویش، مردم را دچار گمراهی می کنند؛ ولی در اصل، گرگانی هستند، در لباس میش. او هشدار می دهد در این صحرای پر آشوب ایران باید مراقب گرگان انسان نمایی باشیم که نه تنها مال و دارایی، بلکه جان مردم را نیز در معرض تهدید و تباهی قرار می دهند:

مبادا چشم خود بر هم گذاری

نه چشم اختر است این چشم گرگ است

همه گرگند و بیمار و گرسنه

بزرگ است این غم ای کودک! بزرگ است. (زمستان: ۴۱۰)

اودر اشعارش اغلب از گرگان دو پای یاد می کند که با درنده خویی به جان مردم می افتند؛ خان و مان آنها را به یغما می برند و امنیت جامعه را مختل می نمایند. در اوستا نیز به این نوع گرگهای انسان نما اشاره شده است. انسانهایی گرگ صفت که می درند، پاره می کنند و نابود می نمایند. از این رو نباید هر روشنایی را نور اختر پنداشت:

بترس از روشناییهای آن شب

که چشم اخترش دندان گرگ است. (تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم: ۱۴۷۳)

اخوان در شعری دیگر شاه ایران را به گرگی تشبیه کرده است که خود را با پادشاهان باستان مقایسه می کند؛ در حالی که این کار او را تزویر، و گرگی در لباس چوپان می داند:

با همه چندین هزار سال تمدن تازه چو آن گله ایم، چوپان جویان
گله شناسد هنوز دوست ز دشمن ما نشناسیم حیف، گرگ ز چوپان (ارغنون: ۱۱۴)
در مجموعه شعر «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» پس از سالها تجربه به این یقین دست می یابد، که با دیدن ظاهر افراد نباید در مورد باطنشان قضاوت نمود:

بر من یقین شد این حکم، زیرا بس آزمودم / میشان چو گرگ و گرگان در پوستین میشان (اخوان، ۱۳۹۵، تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم: ۱۲۲۴)

و بالاخره گرگ در ضرب المثل‌های عامیانه نیز وارد شده است. این ضرب المثل تعریض به افرادی دارد که با تزویر و خدعه می خواهند، همچنان به بهره کشی خویش ادامه دهند؛ حال آن که فریب دادن خداوند امری است محال:

سر هر کس که کله بگذاری سر حق را نتوانی، باری
او شناسد که شما را چه شود توبه گرگ همان مرگ بود (تو را ای...: ۱۴۵۱)

۲-۸- مار نماد سختی و تألم

اخوان نیز مار و کژدم را چون گذشتگان موجوداتی اهریمنی، منفور و شرور می داند. از این رو زندگی پر از تألم و عذاب را به دوزخی تشبیه می کند که مملو از مار و عقرب است:

آیا نبود زندگی ام دوزخی الیم پر نیش مار و کژدم و پر شعله و شرار؟ (ارغنون: ۴۷)
در این سروده نیز شاعر نفرت خود را با تشبیه جوی آلوده، به ماری مهیب بیان کرده است:
در جوی چون کفچه مار مهیبی.

نفت غلیظ و سیاهی روان بود. (از این اوستا: ۶۶۴)

وحشت حاکم بر ذهن شاعر، با توصیف ماری تشنه بر کنار جویی در شبی تاریک به تصویر کشیده شده است:
ناگاه ماری تشنه، لکی ابر/کوپایه سنگی ساکت و تاریک (دوزخ اما سرد: ۱۰۸۲)
با توجه به ابیات مذکور شاید بتوان گفت باور و اعتقاد اخوان نسبت به این موجود به افکار و اعتقادات آیین زردشت هم‌هنگی بیشتری دارد. چنان که در این شعر مار را به صراحت تخم اهریمن می داند:

سر مار با دست دشمن بکوب که آید به دست یکی زین دو خوب
گر آن چیره شد کشته ای دشمنی و این، رسته از تخم اهریمنی (سال دیگر...: ۱۷۵۴)
حضور فعل امر «بکوب» در شاهد مثال ذکر شده می تواند نشانگر نقش ترغیبی باشد.

۲-۹- موش نماد محترمان

زبان شعری اخوان به سبب التزام در ادای رسالت شاعری، سرشار از اندیشه های سیاسی و اجتماعی است. او بسته به فضای سیاسی حاکم، این آموزه ها را با زبانی چند معنایی و نمادین بیان می کند. موش چون سایر حیوانات و پدیده های طبیعی، به تناسب فضای اجتماعی حاکم، نمادی از سرمایه دارانی است که به احتکار و انبار کردن کالاها مشغول هستند:
در کنار دشت،

گفت موشی با دگر موشی:

آن چه کالا داشتیم پوسید در انبار... (از این اوستا، مرد و مرکب: ۵۹۸)

در این شعر، موش جنبه اهریمنی و پلید خود را حفظ کرده است. انسانهای موش صفت که به ذخیره مایحتاج مردم اقدام می کنند تا شاید بتوانند بر ثروت و اندوخته های خویش بیفزایند.

اخوان، در مورد آن منجی خیالی که در شعر آمده، می گوید: «... در آن شعر می گویم، می گویند، گفته اند، تبلیغ فریب آمیز کرده اند که: مرد، یار مردم محروم می آید، بشارت، بشارت که مردی خواهد آمد و چگونه مرد مردستانی که درمان همه دردهاست. برای همه طبقات مختلف، مثلاً آنجا دو تا موش، بورژوازی سرمایه داری هستند که با همدیگر همدمند و همکار و کالا دارند و انبارها دارند و ...» (هزاره، ۱۳۸۳: ۲۵۲)

در این داستان هر طبقه و هر گروه اجتماعی، خیالاتی را در مورد این مرد در ذهن می پرورد ولی در نهایت تمام این افکار در سایه ای محو و نابود می گردد.

۲-۱۰- میش نماد انسانهای ضعیف

در شعر اخوان این حیوان نماد انسانهای ضعیف داشته شده ای است که پیوسته مورد آزار گرگ صفتان و قدرتمندان قرار می گیرند .

دریغا بیشه گرگان همیشه ز خون دشت میشان آب نوشند (دوزخ اما سرد: ۱۱۱۹)

استفاده از شبه جمله دریغا در بیت یاد شده می تواند نشانه ای از کارکرد همدلی باشد.

در کتابهای کهن نیز به دشمنی گرگ با میش اشاره شده است؛ از این رو اصطلاحات « ترسیدن میش از گرگ» و « لرزیدن میش از گرگ» رایج گشته است. در بندهش نیز اصطلاح « میش را از ترس گرگ پشم برکنند» به کار رفته است. در زند بهمن یسن اصطلاح « گرگ زمان برود و میش زمان در آید» هم مفهوم با دیو چو بیرون رود فرشته در آید؛ گرگ نماد خشونت و میش نماد صلح و آرامش است. (رک: قلی زاده، ۱۳۹۲: ۲۸۶) طبق بندهش « اهریمن، گرسنگی و تشنگی و شیر و گرگ سردگان دزد را بر ضد گوسفند قرار داد.» (قلی زاده، ۱۳۹۲: ۲۴۷)

در شعری دیگر نیز گوسفند با همین چهره نمادین به کار رفته است:

چنان چون گوسفندی، که اش درد گرگی (در حیاط کوچک پاییز در زندان: ۸۴۴)

ایران کشوری است که بارها مورد هجوم اشغالگران قرار گرفته است. شاهان و رهبران بی لیاقت و مستبد با تصمیمات ابلهانه و ناکارآمد خویش، این کشور را در چنگال گرگ صفتان دژخیم رها کرده؛ آنانی که بی رحمانه در پی سودجویی و بهره کشی خویش با چنگالهای مهیبشان ثروت و دارایی مملکت را به یغما برده و می برند. در حالی که این رهبران بی فکر بدون کمترین دغدغه ذهنی بر کرسی ریاست خویش متکبرانه تکیه زده و سرمست از بله قربان گفتنهای عده ای جیره خوار نادان، زندگی بی ارزش و حقیرانه خویش را سپری می کنند و در این میان صدای دلخراش آزاد اندیشان میهن پرست آوای مبهمی است که قادر به بیدار کردن مردمی که در خواب غفلت فرو رفته اند، نمی باشد.

۲-۱۲- عنکبوت نماد دون همتان شهوت پرست

عنکبوت در شعر اخوان نماد انسانهایی است که زندگی آسوده را بر سختی مبارزه با ظالمان و متجاوزان به حقوق ملت ترجیح می دهند. آنانی که در دنیای تنگ و محقر خویش به غیر از خورد و خوراک به هیچ نمی اندیشند:

خوش تر از این پرده فضا هیچ نیست هیچ

بهرتر از این پشه غذا عنکبوت گفت

نیست به از وزوز این پشه نغمه ای

عیش همین است و همین: کار و خورد و خفت (زمستان: ۳۲۸)

۲-۱۳- مگس نماد انسانهای بلند نظر

برخلاف تصور رایج این حشره از نمادهای مثبت شعر اخوان محسوب می شود. مگس نماد انسانهایی با مناعت طبع و سعه صدر است که از کومه بینی عنکبوتیان بیزارند. کار اینان روشنگری و آگاهی دادن مردم از فریب و خدعه حاکمانی است که گاه علیه مردم به کار می گرفته اند:

از چمن دلکش و صحرای دلگشا

گفت خوش الحان مگسی قصه ای به من

خوش تر از این پرده فضا هیچ نیست هیچ

جمله فریب اسست و دروغ است آن سخن. (زمستان: ۳۲۹)

جز نقش فرازبانی در شواهد مذکور، با توجه به اخباری بودن جملات و جهت گیری پیام به موضوع خاص، کارکرد ارجاعی نیز مشهود است.

نتیجه گیری

شاعران عصر کنونی به سبب خفقان حاکم بر جامعه، اجازه صریح گویی نداشتند. چرا که با هر نقدی بر حکومت، جان و مالشان مورد تهدید و آسیب قرار می گرفت و هزینه هایی را متحمل می شدند. چنان که اخوان چندین بار به زندان افتاد. به همین دلیل، شاعران چاره را در لفافه گویی دانستند. آنان با بهره گیری از عناصر چند معنایی به انتقاد های اجتماعی و سیاسی پرداختند. اخوان از جمله شاعرانی بود که با به کارگیری مفاهیم نمادین که ریشه در ادیان و فرهنگ ایران باستان داشت، توانست در حد اعلی این مهم را محقق نماید. برخی از این نمادهای به کار گرفته شده، ریشه دینی و آیینی و برخی دیگر در فولکلور و فرهنگ عامیانه متداول است.

در بررسی نقش فرازبانی در مؤلفه های نمادین به کار رفته در سروده های اخوان، سه دسته مجزا قابل طبقه بندی است: برخی از نماد های اجتماعی، یاد آور محیطی خشن و مستبدانه است: چون سگ (نوگر مسلک)، گراز (انسانهای بی رحم)، روباه و عنکبوت (دون همتان شهوت پرست) و مار (تألم و اندوه) فیل (آشوب و ویرانگری) موش (محتکران). برخی نیز دارای مفهوم مثبت و یاد آور شکوه دیرینه ایران هستند: چون شیر (نماد شوکت و افتخار ایران زمین)، اسب (تمدن با شکوه فراموش شده ایران)، مگس (بلند نظرانی آگاه و آگاهی بخش). با توجه به این مهم که زبان نمادین، زبانی تأویل پذیر و سیال است و محدود کردن آنها در معانی نمادین کلیشه ای و عمومی، امری غیر ممکن به نظر می رسد؛ بنابراین مقتضیات زمانی و روحیه شاعر، تأویلهای گوناگون و متناقضی پذیرفته است به صورتی که گرگ در یک جا دارای نمادی مثبت و در شعری دیگر نقش و نمادی منفی پذیرفته است.

نکته حائز اهمیت دیگر این که در بررسی زبان نمادین اخوان، کاربرد نماد هایی که مفاهیم مثبت و امیدوارانه را به ذهن متبادر کند، بسیار اندک است؛ چرا که وضعیت اجتماعی و آشفته ایران در روزگار شاعر، اقتضای چنین شرایطی را می نمود. لذا حاکمیت با عناصر زبانی با بار معنایی منفی است و اغلب مؤلفه های نمادین که دارای معانی مثبت هستند با فرهنگ ایران باستان و آیینها و ادیان دیرین ایران گره خورده اند. به نظر می رسد جز نقش فرازبانی با تأکید بر دلالت های نمادین، کارکردهای عاطفی، ارجاعی و ترغیبی به ترتیب مکمل آن هستند و به صورت مستقیم و غیر مستقیم تأثیر کلام را در خواننده بیشتر می نمایند.

منابع و مأخذ

- آرامیده، فریده و دیگران (۱۳۹۵)، «سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر فارسی» (بررسی نمادهای اجتماعی در شعر شاعران دهه ی سی و چهل)، همایش بین المللی شرق شناسی و مطالعات ایرانی، دوره ی ۲، پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی.
- احمدی، بابک (۱۳۷۰)، ساختار و تأویل متن، چ چهارم، تهران: مرکز.
- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۹۵)، متن کامل ده کتاب، تهران: زمستان.
- تقوی، محمد (۱۳۷۶)، بررسی حکایت‌های حیوانات (فابلها) تا قرن دهم، تهران: روزنه.
- تسلیمی، علی (۱۳۹۵)، نقد ادبی (نظریه های ادبی و کاربرد آنها در ادبیات فارسی)، چاپ سوم، تهران: اختران.
- حقوقی، محمد (۱۳۹۳)، شعر زمان ما، مهدی اخوان ثالث، چاپ شانزدهم، تهران: نگاه.
- رحیمی، امین و دیگران (۱۳۹۳)، «نمادهای جانوری در متون عرفانی با تکیه بر آثار سنایی، عطار و مولوی»، متن پژوهی ادبی، شماره ۶۲، صص ۱۴۷ تا ۱۷۳.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱)، آیین مهر، پژوهش هایی در تاریخ آیین راز آمیز میتراپی در شرق و غرب، جلد ۱ و ۲، تهران: بهجت.
- زرقامی، مهدی (۱۳۸۳)، چشم انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
- ستاری، جلال (۱۳۸۷)، اسطوره و رمز (مجموعه مقالات)، چاپ دوم، تهران: سروش.
- سلدن، رمان؛ ویدوسون، پیتر (۱۳۷۷)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- صفوی، کورش (۱۳۸۰)، از زبان‌شناسی به ادبیات، تهران: سوره مهر.
- عبداللهی، منیژه (۱۳۸۱)، فرهنگ نامه جانوران در ادب فارسی، ج ۲، تهران: پژوهنده.
- علوی مقدم، مهیار (۱۳۷۷)، نظریه های نقد ادبی معاصر، تهران: سمت.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵)، بلاغت تصویر، تهران: سخن.
- فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۱)، درباره نقد ادبی، چ چهارم، تهران: قطره.
- قاری، محمد رضا؛ نیک آبادی، اعظم؛ روشندل، اشرف (۱۳۹۳)، «سمبولیسم در شعر معاصر با تکیه بر شعر مهدی اخوان ثالث و هوشنگ ابتهاج»، زیبایی شناسی ادبی، شماره ۲۱، صص ۹۷ تا ۱۲۵.
- قرایی، یدالله (۱۳۷۰)، چهل و چند سال با امید، بی جا: بزرگمهر.
- قلی زاده، خسرو (۱۳۹۲)، دانشنامه اساطیری جانوران و اصطلاحات وابسته، تهران: پارسه.
- محمودی، مریم؛ الیاسی، رضا (۱۳۹۶)، «نماد شناسی حیوانات در کتاب طرب المجالس»، متن شناسی ادب فارسی، شماره ۴، صص ۵۷ تا ۷۰.
- هزاره، داوود (۱۳۸۳)، سیاه و سپید، مقایسه و نقد تحلیلی شعر سهراب سپهری و م. امید، مشهد: پاژ.
- هنرمندی، حسن (۱۳۸۵)، بنیاد اندیشه نو در فرانسه، تهران: زوار.
- یونگ، کارل گوستاو (۱۳۷۸)، انسان و سمبل‌هایش، ترجمه محمود سلطانی، چاپ سوم، تهران: جامی.

Analyzing the symbolic concepts of animals in the poems of Mehdi Akhavan based on Jakobson's theory of verbal communication

Maryam Sazegar

Reza Ashrafzadeh *

Mohammad Shah Badiezadeh

,Department of Persian Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad

Iran. maryamsazegar@mshdiau.ac.ir

Corresponding Author)Department of Persian Literature, Mashhad Branch, Islamic)*

Azad University, Mashhad, Iran. R.ashrafzadeh@iaubir.ac.ir 09153163351

,Department of Persian Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad

Iran. Mohammad.shahBadizadeh@gmail.com

Abstract

Analyzing the symbolic concepts of animals in the poems of Madi

Akhvan based on Jakobson's theory of verbal communication

Polysemy elements are one of the most widely used indirect methods of

expression in contemporary poetry, and among them, the symbol is the main artistic technique of modern poets, which is always used by committed creators to express social and political purposes.

This study analyzes the critical and social symbols of animals in the poetry of Akhavan while examining linguistic roles based on Jacobson's verbal communication pattern. Akhavan has given a

special character to poetry due to the use of symbols that are rooted in the culture of ancient Iran,

and because animals in the poetry of Akhavan are often used in a symbolic sense, the basis of the

work is the role of metalanguage. The most important purpose of this article is to receive abstract

messages and social and critical concepts embedded in animal symbols and to express social

corruptions in the poet's homeland poems. Findings show that the symbols of the Akhavan are a

representation of the conditions governing society and social and political unspoken. The method of

collecting information is library and documentary and the statistical population of the study

includes the Book of Poems of Mahdi Akhavan- Sales. The present research has been compiled in

an analytical and descriptive manner that is suitable for conveying educational, social and symbolic

concepts. And the messages of Akhavan in most poems reflect the metalanguage, emotional,

.referential and persuasive functions

Keywords: poems of Akhavan, social criticism, symbolic concepts of

animals, verbal communication, Jakobson